

بوم خبر

اجتماع هنرمندان تجسمی برای کمک به سیل زدگان

حراج آثار هنری باهدف کمک به سیل زدگان ایران در چند گالری برگزار می‌شود. به گزارش هنر آنلاین در پی وقوع سیل در شهرهای مختلف ایران و مشکلات فراوانی که برای مردم سیل‌زده به وجود آمده، بسیاری از مردم کشورمان با کمک‌های نقدی و غیر نقدی به یاری هموطنان رنج کشیده خود شتافتند تا اندکی از بار مشکلات آنها را کم کنند. در این میان هنرمندان نیز تلاش کردند به شیوه خود برای کمک به سیل‌زدگان بکوشند و با ارائه آثار هنری، عواید فروش آن را به هموطنان اهدا کنند. در همین راستا تعدادی از گالری‌های تهران با اعلام فراخوان و با انتخاب آثار از میان هنرمندان همکار خود، فرصتی را فراهم کردند تا مردم علاقه‌مند به هنر نیز بتوانند در عین کمک به سیل‌زدگان، یک اثر هنری را به خانه خود ببرند. نخستین نمایشگاهی که در این زمینه شکل گرفت، توسط حوزه هنری انجام شد. در این حرکت خیرخواهانه حوزه هنری از هنرمندان دعوت کرد تا آثار خود را به منظور ارائه در نمایشگاه تاریخی ۱۹ فروردین، به‌واحد تجسمی ارسال کنند و زمان برپایی نمایشگاه نیز از ۲۰ تا ۲۴ فروردین ماه اعلام شد.

همچنین نمایشگاه «باران بهانه شد» در گالری سرزمین هنر برپاست که ۲۳ فروردین با نمایش آثار ۵۰ هنرمند آغاز شد. در این نمایشگاه که تا ۲۰ فروردین ادامه دارد آثار از کامبیز درم‌بخش، علیرضا آدم‌بکان، رضا افسری، رضا بانگیز، کیوان بیرانوند، مهرداد خطایی، بهزاد شیشه‌گران، محمدهادی فدوی، مسعود کشمیری، جلال‌الدین مشمولی، علیرضا سعادت‌مندی، اوژن شیراژون، مهرداد فلاح، محسن کر می‌و... به نمایش درآمده است.



گالری مژده در نمایشگاهی با نام «تنهانیستیم» که از ۲۸ تا ۳۱ فروردین برپا می‌شود، حراج آثار هنرمندانی که هنرشان را برای کمک به هموطنان آسیب‌دیده تقدیم کرده‌اند، برگزار می‌کند. در این نمایشگاه که صد در صد عواید حاصل از فروش آثار صرف کمک به مردم سیل‌زده خواهد شد، بخشی از مجموعه گالری مژده، آثار متعلق به مجموعه‌داران مختلف و آثاری که توسط هنرمندان به این نمایشگاه اهدا شده است، به فروش گذاشته خواهد شد. مژده طباطبایی، مدیر گالری مژده که در زلزله بم و کرمانشاه نیز چنین رویدادی را برای کمک به آسیب‌دیدگان تدارک دیده بود، با اعلام خبر فوق گفت: از همه هنرمندان، مجموعه‌داران و همکاران گالری‌دار که دوست دارند در این حرکت خیرخواهانه مشارکت کنند دعوت می‌کنم آثار هنری خود را به گالری مژده تحویل دهند تا در نمایشگاه خیریه چهار روزه که ۲۸ تا ۳۱ فروردین برپا می‌شود به نمایش و فروش درآید.

افزود: گالری مژده ضمن ابراز تأسف از این حادثه غم‌انگیز، به منظور همدردی با مدعی‌زانی که در سیل اخیر آسیب‌دیده‌اند و سال‌نورا با تلخ‌کامی آغاز کردند، بخشی از گنجینه خود را طی این نمایشگاه به فروش می‌رساند و در همین راستا از همه خانواده هنر ایران که دوست دارند در این اقدام خیرخواهانه مشارکت کنند دعوت می‌کند، در صورت تمایل یک یا چند اثر خود را برای ارائه اهدا نمایند تا تاکید کرد: بدیهی است تمامی عواید فروش این رویداد به آسیب‌دیدگان سیل اختصاص داده خواهد شد. رضامافی، منوچهر نیازی، ناصر اویسی، مهدی فلاح، بهرام حنفی، احمدآریامش، مرتضی گودرزی، دیباج، امیرحسین دلبری، کیارش یعقوبی، سروش میلانی‌زاده، سیامک زمری و... از جمله هنرمندانی هستند که آثار آنها به سیل زدگان اهدا شده است. در فراخوانی که گالری نگر اعلام کرده است نیز از هنرمندان دعوت شده است آثار خود را برای کمک به هموطنان سیل‌زده در یک مجموعه نمایش دهند. در این نمایشگاه ۵۰ درصد با تمام عواید حاصل از فروش آثار، بر اساس نظر هنرمند صرف کمک به سیل‌زدگان خواهد شد.

پیام روشنی که از سوی نهاد حراج گذار آثار هنری و مشخصاً حراج تهران به گالری‌های هنری انتقال یافته مبتنی بر تقویت بخشیدن به همین تصور است که توسعه و ارتقای فعالیت‌های این مراکز جز در قالب بده و بستان نخواهد بود

این امکانات به دلایلی از جمله توان کافی برای پیشبرد فعالیت‌ها و یا خط مشی متفاوت از پیوستن به این مناسبات پرهیز می‌کنند.

میدان عمل گالری‌های هنری
با این تفاسیر، اما همچنان تعداد گالری‌هایی که به هر دلیل نتوانسته یا نخواسته‌اند هویت و اعتبار خود را با سیاست گذاری‌های نهاد‌های فرادستی گره بزنند و به این ترتیب شکلی دیگر از ارائه و معرفی آثار و هنرمندان تجسمی را در پیش گرفته‌اند، کم تعداد نیست. این مراکز که به دلیل محدود بودن امکانات و ظرفیت‌ها به شکلی حداقلی از فعالیت حرفه‌ای بسنده کرده‌اند، هم از حیث برخورداری از امتیازات و حمایت نهادهای دولتی و هم به لحاظ میدان عمل در سطح متفاوتی در نسبت با گالری‌های برخوردار دارند و این محدودیت در ظرفیت‌ها در نهایت تأسّف به‌طور مستقیم هنرمندان نسل‌های جوان و دانشجویان فارغ‌التحصیل هنرهای تجسمی را بیش از دیگر گروه‌های جامعه هنری متأثر کرده است.

حراج گذار آثار هنری و مشخصاً حراج تهران به گالری‌های هنری انتقال یافته نیز مبتنی بر تقویت بخشیدن به همین تصور است که توسعه و ارتقای فعالیت‌های این مراکز جز در قالب بده و بستان نخواهد بود. اما تنها میل گالری‌های بخش خصوصی امکان ورود آن‌ها را به این چرخه فراهم خواهد کرد؟ بدیهی است که پاسخ منفی است و از سوی نهاد‌های فرادستی معیارهای مشخصی در این زمینه پیش‌بینی شده است. واقعیت این است که امکانات و ظرفیت‌هایی که در اختیار هر یک از گالری‌های بخش خصوصی می‌تواند باشد، اصلی‌ترین معیاری است که در این ارتباط باید مورد توجه قرار داد، واضح است که چنین امکاناتی را می‌توان در وهله اول در منابع مالی و دیگر بهره داشتن از ارتباطات خاص باید در نظر گرفت و هر یک از مدیران گالری‌ها بسته به برخورداری از چنین امتیازاتی قادر خواهند بود بسته به میزان این ظرفیت‌ها در این چرخه قرار بگیرند. برای روشن تر شدن موضوع می‌توان به مصداق‌هایی از بهره‌مندی گالری‌های هنری از این امکانات اشاره کرد؛ در این ارتباط می‌توان از گالری‌هایی مثال آورد که مدیران‌شان به‌طور مشخص شخصیت‌های حقوقی و صاحب‌منصبان دولتی هستند یا آن‌ها که از ارتباط خاص و ویژه ای با مجموعه‌داران کلان‌میزه برخوردار هستند. با این حال حتماً باید تاکید کرد صرف بهره داشتن از چنین ظرفیت‌هایی دلیل بر آن نیست که تمامی گالری‌های واجد این مشخصات لزوماً تمایل به جذب شدن در این چرخه را دارند و هر چند انگشت‌شمار، هستند گالری‌هایی که علیرغم واجد



از چه مناسبات و روابطی میان این نهادها سخن می‌گوییم؟ در شرایطی که نهاد حراج آثار هنری و به‌طور مشخص «حراج تهران» به عنوان نخستین حراج گذار کشور بر خلاف رویه‌های جهانی و آنچه مناسبات اقتصادی استاندارد ایجاد می‌کند، در حقیقت بنگاهی متصل به بخش‌هایی از دولت است، واضح است که در چنین موقعیتی ضریب نفوذ آن بر دیگر نهاد‌های نقش آفرین در این عرصه به سهولت پیش خواهد رفت.

نسبت بر خورداری گالری‌های هنری از ظرفیت‌های تولید هنری
اما اتصال این نهادها با یکدیگر بر مبنای چه شاخصه‌ها و ملاحظاتی صورت می‌گیرد؟ در حقیقت پیوستن بخشی از گالری‌های هنری به نهاد‌های

بهر روز فاتحان
گالری‌های هنری حکم فرماست.
گالری‌های هنری و بنگاه‌های اقتصادی

در یک چشم‌انداز عمومی، آنچه می‌تواند نوعی دسته‌بندی سطوح و چگونگی فعالیت بخشی از گالری‌های هنری و مشخصاً گالری‌های بخش خصوصی را به ویژه در پایتخت ممکن کند، در میزان و نحوه ارتباط این مراکز با نهاد‌هایی معنی پیدا می‌کند که آشکار و پنهان سعی در همگرایی ساز و کارهای گالری‌ها در خدمت پیشبرد رویکردهای دلخواه خود دارند. در این ارتباط به‌طور مشخص باید به نهاد‌هایی چون حراجی‌ها، واسطه‌گران هنری و مجموعه‌داران اشاره کرد که در این سازوکار نقش آفرینی دارند. اما در این ارتباط مشخصاً

هنر تجسمی امروز ایران را چگونه باید تفسیر کرد؟

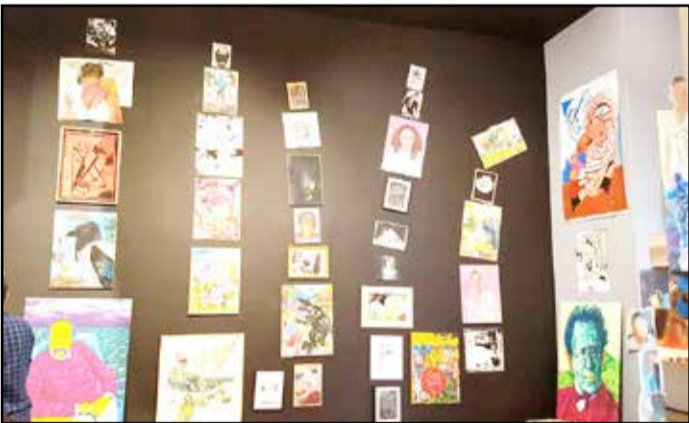
هر چه جهانی‌تر بی‌تاثیرتر، هر چه بازاری‌تر بی‌معناتر

علیرضا بخشی استوار

هنر تجسمی امروز ایران را چگونه و بر چه مبنایی می‌توان تفسیر کرد؟ این سوال شاید سوالی کلی به نظر برسد. سوالی که برخی مسائل را نادیده می‌گیرد. اما این سوال حاصل کنار هم چیدن جزئیاتی است که به این کل رسیده است. سوال بعدی این است که هنر تجسمی ما امروز چه نقاط ضعف و قدرتی دارد و به کدام سو حرکت می‌کند و این شکل از حرکت چه دستاوردی را برای این عرصه و برای مخاطبانش داشته است؟

هنر تجسمی ما امروز به اعتقاد فعالان این عرصه، زبانی جهانی دارد و در مهم‌ترین رخدادهای تجسمی جهان، ایرانیان، چند سالی است که حضوری ویژه دارند. اما چرا این هنر با این میزان از موفقیت هنری، محصور و از لحاظ کارکردی در اجتماع محدود شده است. چرا نمی‌توان از این هنر توقع داشت که پتانسیل‌های خود را در سطحی وسیع تر عیان و آزاد کند. آیا مشکل از آن است که شکل امروز هنر تجسمی ربطی به فرهنگ و زیست‌مانندار و میدانی خصوصی برای فعالیتی مشخص است؟ آن هم در زمانه‌ای که صحبت کردن از یک هنر ملی به واسطه از بین رفتن مرز فرهنگ‌های همسان شده مستحضر به نظر می‌رسد و نشانگر عقب ماندگی و از سوی عدم به روزرسانی ذائقه

است. صحبت کردن از هنر ملی این بر چسب را بر پیشانی خود دارد که از نگاهی سلطه‌جو و یکسان‌ساز تبعیت می‌کند و در نقطه سوم هنر ملی که با آلمان‌ها و دستاوردهای بومی به عرصه رسمی تجسمی کارکرد جهانی پیدا می‌کند و در عرصه همسان‌ساز امروز ذوب می‌شود. چنانچه در گذشته نیز این اتفاق به واسطه نگرش افراد تشکیل‌دهنده «مکتب سقاخانه» رخ داده است. در این نقطه باید ببینیم صحبت کردن از هنر ملی آیا اصلاً ضرورتی دارد یا نه؟ آیا مشکل هنر تجسمی امروز ما فقدان مسائلی متناسب با فرهنگ ما است یا این که در چنین دنیای همسان‌شده ای نباید توقع این را داشت که فرقی میان دو اثر هنری در تهران و برلین بود. به واقع صحبت کردن از یک هنر ملی امری مضحک است و به دلیل این که هنر تجسمی امروز ما نمی‌تواند چنین محتوایی را در ساختار خود بگنجاند، باید مسئله را به سمت و سوی دیگری برد. امروز باید خوانش هنر تجسمی و تفسیر آن را با معادلاتی جهانی همسان کرد. اما این رویه کارکردی معکوس دارد. عرصه هنرهای تجسمی ما هر چقدر که بیشتر سطحی جهانی به خود می‌گیرد در درون کشور اخته‌تر، ناکارآمدتر و محدودتر می‌شود. پیوستن به عرصه جهانی هنر یعنی پیوستن به بازار جهانی و بازار جهانی یعنی مد



گالری‌ها و مجموعه‌داران و خریداران هستند که به آن جهت می‌دهند و از این میدان نمی‌توان توقع تاثیر را داشت. شاید بپرسید منظور از تاثیر چیست؟ و شاید بپرسید در دنیای تا به این حد خرد و جزئی شده با بی‌نهایت مانیفست به ظاهر شخصی چه جایی برای تاثیر است؟ هنر تجسمی ما امروز عرصه‌ای است که بیش از دیگر شاخه‌های هنری دچار همسان‌سازی اندیشه‌ای سلطه‌گرانه چهره بازار شده است. چون مناسبات مستقیم تر با بنگاه‌های اقتصادی و با سرمایه نقد‌گره خورده است. این مسئله یعنی این که تحت این سلطه همه دارند به سمتی می‌روند که این بازار سلطه طلب حاکم کرده است و مادر چنین شرایطی با گزینش‌های نو مواجه نیستیم. گزینش‌هایی که افقی تازه‌ای برای ما بگشاید یا شرایط خود این عرصه را به سمت دیگری ببرد. این عرصه اقتصاد زده فقط در درون مناسبات پولی جریان دارد و همه تعریف‌ها و تمجیدها و نقدها در این عرصه وابسته به یک